



جمهوری اسلامی ایران
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال

گزارشی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و بازار کار در کشور قطر



دقتهدایت نیروی کار و کارمانی ها

خرداد ۱۳۹۶

خلاصه اجرایی

کشور قطر از نظر بازار کار از دیر باز مورد توجه ایرانیان بوده است به گونه ای که طبق آمار سال های قبل از انقلاب اسلامی، در زمانی که کل جمعیت قطر به 150 هزار نفر نمی رسید تعداد ایرانیان شاغل حدود 50 هزار نفر یعنی بیش از 30 درصد جمعیت کشور را شامل می شده است که بعد از انقلاب اسلامی با یک روند نزولی مواجه بوده است.

جمهوری اسلامی ایران و قطر همواره روابط دوستانه ای با یکدیگر داشته اند و با توجه به بحران پیش آمده در این کشور و تحریم آن از سوی برخی از کشورهای عربی به دلیل دفاع از سیاست های ایران در منطقه، اعزام نیروی کار ایرانی به قطر می تواند روابط دو کشور را در زمینه های اقتصادی و سیاسی بیشتر تقویت کند. در همین زمینه یکی از محورهای مذاکرات تجاری، می تواند اعزام نیروی کار ایران به قطر باشد. لذا پیشنهاد می گردد پیرو آخرین تفاهم نامه مشترک منعقد شده دو کشور در سال 1393 پیرامون همکاری در زمینه های مختلف مربوط به اعزام نیروی کار، آموزش های فنی و حرفه ای، بهداشت و درمان، هر چه سریع تر کمیته مشترکی بین وزارت متبوع و وزارت کار قطر برای فعال نمودن مسئله اعزام نیروی کار ایرانی تشکیل گردد تا با این کار بتوانیم زمینه های اشتغال خارج از کشور را توسعه دهیم و از فرصت به دست آمده به دلیل تحریم قطر توسط کشورهای عربی، نهایت استفاده را ببریم.

از جمله اقداماتی که می توان از طریق وابسته کار جمهوری اسلامی ایران در این کشور برای توسعه روابط و اعزام نیروی کار به این کشور انجام داد به قرار زیر می باشد:

1. ایجاد بسترهای لازم در زمینه اعزام نیروی کار به کشور قطر، از طریق برقراری ارتباط با کارفرمایان و کارایی های خصوصی آن کشور .
2. شناخت بازار کار، سیاست ها، مقررات اشتغال، امکانات آموزش فنی و حرفه ای، مهارت های مورد نیاز نیروی کار و فرصت های شغلی در کشور هدف و انجام مطالعات لازم؛
3. تلاش در جهت شناساندن مزیت های نیروی کار ایرانی از طرق متقاضی؛
4. ارتباط با نهادها و مسئولان کشور قطر برای تسهیل و زمینه سازی اعزام نیروی کار؛
5. زمینه سازی انعقاد قراردادهای همکاری، پیگیری اجرای تفاهم نامه های منعقد شده جاری و نظارت بر چگونگی اجرای قراردادها.
6. شناساندن وضعیت بازار کار داخلی کشور به ایرانیان مقیم و صاحبان سرمایه و راهنمایی تشویق آنان به سرمایه گذاری در ایران.
7. رسیدگی به مشکلات شاغلان ایرانی در کشور قطر از نقطه نظر روابط کار و در چارچوب مقررات و قوانین کار و مقابله نامه های بین المللی.
8. حل مشکلات اقامتی ایرانیان مقیم و احیای آموزش های فنی و حرفه ای و استفاده ایرانیان از آن.

آشنائی با کشور قطر:

کشور قطر در خاورمیانه و در کنار آب‌های خلیج فارس واقع می‌باشد. این کشور در گذشته به عنوان مرکزی عمده برای صید مروارید شناخته می‌شد اما امروزه با منابع فراوان نفت و گاز موجود در آن شناخته شده است. این کشور از جنوب با عربستان سعودی همسایه است. این کشور به شکل شبه جزیره بوده که آب‌های خلیج فارس اطراف آن را پوشانده است و مساحت آن 493، 11 کیلومتر مربع است. شبه جزیره قطر از شمال شرق عربستان به داخل خلیج فارس گسترده شده است. خاک این کشور، مسطح بوده، و از یک صحرای خشک تشکیل گردیده است. شهرهای قطر عبارتند از وکره، خور، دخان، زباره، شمال، مسیعی، رأس لفان. شهر جدیدی به نام لوسیل و شهرکی جزیره‌ای به نام مروارید قطر نیز در این کشور در دست ساخت است. از دیدگاه قطری ها و با توجه به اشیاء به دست آمده نظیر کتیبه ها و سنگ های حکاکی شده و نمونه های سفالین که در نتیجه عملیات کاوشگری و باستان شناسی در خاک قطر کشف شده است، سابقه سکونت اولیه در این کشور حتی به چهارم قرن قبل از میلاد نیز می رسد. اولین ساکنان مشهور این سرزمین و نسل های قدیمی مردم کنونی قطر را اعراب تشکیل می دهند.

قطر یکی از چندین امیرنشین منطقه خاورمیانه است. از سال 1871 تا 1913 قطر در تصرف ترک‌های عثمانی و سپس انگلیس و بحرین بود تا سرانجام در سال 1971 به استقلال می رسد.

قطر با نام رسمی **دولت قطر** کشوری در جنوب غربی قاره آسیا در منطقه خاورمیانه و در شرق شبه‌جزیره عربستان، و در بخش جنوبی خلیج فارس واقع شده است. پایتخت آن، دوحه است. قطر مرز مشترک زمینی با عربستان سعودی، و مرز آبی با کشورهای ایران، کویت، عراق، عربستان، بحرین و امارات متحده عربی دارد. قطر به صورت امارتی مطلقه و ارثی از میانه سده 19 میلادی توسط خاندان آل ثانی فرمانروایی می‌شود. قبل از کشف نفت خام، قطر عمدتاً به خاطر شکار مروارید و تجارت دریایی شناخته می‌شد. این کشور تا سال 1971 تحت‌الحمایه بریتانیا بود. پس از استقلال در سال 1971 به سبب درآمدهای سرشار نفتی و گاز طبیعی، این کشور تبدیل به یکی از ثروتمندترین کشورهای منطقه شد. تمام موقعیت‌های حساس حکومتی در قطر توسط خاندان آل ثانی یا افراد نزدیک آنان اداره می‌شود. این کشور از سال 1992 روابط نظامی گسترده با ایالات متحده دارد. قطر دارای ذخایر گسترده گاز طبیعی است. مجله فوربس قطر را ثروتمندترین کشور جهان معرفی کرده است. قطر بالاترین شاخص توسعه انسانی بین کشورهای جهان عرب را داراست. این کشور بالاترین درآمد سرانه را در جهان دارد. زبان رسمی این کشور زبان عربی است و از زبان انگلیسی معمولاً به عنوان زبان دوم استفاده می‌شود. دین رسمی آن اسلام، واحد پول آن ریال و مساحت آن ۱۱،۴۹۳ کیلومتر مربع است. در سال 2017 جمعیت قطر 2,6 میلیون نفر بوده است، 313,000 شهروند قطر و 2,3 میلیون اتباع خارجی.

تاریخ

قطر یکی از چندین شیخ‌نشین نوپنیا واقع در شبه‌جزیره عربستان است. منطقه قطر از دیرباز بخشی از منطقه تحت فرمان شاهنشاهی ساسانی بوده‌است. در بسیاری از دوره‌های باستانی همه کرانه جنوبی خلیج فارس بخشی از دولت ساسانی بوده و توسط ساتراپ‌های ساسانی اداره می‌شد. به نوشته دانشنامه بریتانیکا «پیش از تصرف توسط امپراتوری عثمانی، قطر برای سال‌های طولانی تحت حاکمیت حکومت ایران بوده و هر سال سه هزار روپیه برای حق ماهی‌گیری و صید مروارید، مالیات پرداخت می‌کرده‌است. در سال 1700 میلادی، مهاجران در حدود مرزهای کنونی قطر، شهرک‌هایی ساختند و به صید مروارید، ماهی و تجارت مشغول شدند.

از سال 1871 تا 1913 قطر در تصرف امپراتوری عثمانی بود. در 29 ژوئیه 1913 قراردادی بین دولت بریتانیا و دولت عثمانی به امضاء رسید که به موجب یکی از بندهای آن دولت عثمانی از حاکمیت بر قطر صرف نظر کرد. پس از جنگ جهانی اول بسیاری از امیرنشین‌های منطقه، جذب عربستان سعودی یا امارات متحده عربی شدند ولی قطر از این روند جدا ماند.

با خروج نیروهای عثمانی، دولت بریتانیا حکومت شیخ عبدالله بن جامع حاکم قطر را به رسمیت شناخت و در سال 1916 قراردادی همچون دیگر قراردادهای خود با شیوخ امارات خلیج فارس با این شیخ به امضاء رساند. از این تاریخ، قطر تا زمان استقلال خود در سال 1971، تحت‌الحمایه بریتانیا بود. در عوض تحت‌الحمایه بودن، بریتانیا امنیت این کشور را تضمین می‌کرد.

در 1935 میلادی طایفه‌ای از اعراب بنی یاس مقیم ابوظبی به علت نارضایتی از شخبوط بن سلطان آل نهیان حاکم ابوظبی به جنوب کوچیده و در منتهی‌الیه کرانه باختری ابوظبی یعنی خور العدید اقامت گزیدند. این مسئله سرآغاز اختلاف جدی میان ابوظبی و قطر شد. در 1939 میلادی اولین منابع نفت خام قطر کشف شد. اما استخراج آن به خاطر جنگ جهانی دوم به تاخیر افتاد. به این ترتیب، نفت به عنوان منبع درآمد اصلی کشور، جای صید ماهی و مروارید را گرفت.

موقعیت ژئوپولوتیک قطر

کشور قطر به دلیل برخورداری از جایگاه راهبردی و ژئوپولوتیک خود در میان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس همواره در جغرافیای سیاسی جهان نیز دارای نقش مهم و استراتژیک است، بخشی از ساحل غربی و مرز جنوبی آن به سواحل عربستان سعودی متصل است و شرق آن نیز در کنار ساحل و مرز امارات عربی متحده و سلطان نشین عمان قرار گرفته و بحرین نزدیکترین همسایه قطر در غرب است.

قطر با سواحل به طول 350 مایل و مساحت بالغ بر 11/437 کیلومتر مربع معادل 1/144 ایران است. شبه جزیره قطر از یک سو با قرار گرفتن در قلب خلیج فارس و دسترسی آسان آن به دو طرف این منطقه، در مقایسه با سایر کشورها به استثنای بحرین و همچنین همسایگی با عربستان سعودی، نزدیکی به ایران و برخورداری از منابع

عظیم نفت و گاز دارای اهمیت استراتژیک است .

حاکمیت در قطر:

در امیرنشین قطر امیر رئیس حکومت و نوع حکومت سلطنت مطلقه است. امیر قطر در حال حاضر شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی است که در سال 1995 جانشین پدر شد. رئیس دولت نخست وزیر است که امیر او را تعیین می‌کند. مجلس شورای این کشور 35 کرسی دارد که نمایندگان آن را امیر تعیین می‌کند.

اوضاع اقتصادی:

قطر شبه جزیره لم یزرع است که زمینه های آن به دلیل شوری و ریگزاری برای کشاورزی مناسب نبوده و به همین دلیل اقتصاد این کشور در گذشته برپایه پرورش دامپروری و چادر نشینی، ماهیگیری و صید مروارید بنا شده بود. کشف نفت به طور مشخص در سال 1939 به تدریج اقتصاد این کشور را تغییر داده و با توجه به میزان متوسط درآمد آن را به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان تبدیل کرد.

سیاست تنوع بخشیدن به منابع درآمد منجر به این شد که بین سالهای 1970 و 1983 میزان وابستگی به درآمدهای نفتی از 93 درصد به 80 درصد کاهش یابد. اولین امتیاز کشف نفت در قطر در سال 1935 به شرکت نفت ایران و انگلیس اعطا شد. اولین ذخایر نفت در این کشور در سال 1939 کشف شد با این حال برنامه اکتشاف و تولید در طول جنگ جهانی به تأخیر افتاد.

قطر در سال 1961 به اوپک پیوست. دولت قطر طی سالهای اخیر فعالیت های فشرده ای را در رابطه با اکتشاف و استخراج گاز طبیعی به عمل آورده است. فعالیت کشاورزی در قطر از دهه 70 با روند ثابتی رشد کرده و تعادل کل مزارع تولید کننده از 338 واحد در 1975 به 406 واحد در سال 1979 افزایش یافت.

زمین های کشاورزی قطر در مالکیت دولت قرار دارند و بیشتر صاحبان مزارع تنها به صورت غیر مستقیم در پروسه کشاورزی مشارکت کرده و در عین حال دارای موقعیت های ثابت در دیگر بخش های اقتصادی کشور هستند. در نتیجه اکثر مزارع در قطر توسط نیروی کار مهاجر اداره می شود. تقاضای داخلی برای آب در قطر جزو بالاترین مصرف سرانه آب در جهان بوده و برای همین دولت چندین طرح را برای توسعه شبکه آب آغاز کرده است. قسمت اعظم فعالیت های صنعتی در قطر در بخش هیدروکربن بود ولی در طول دهه 70 دولت سعی کرد تا اقتصاد را از طریق تأسیس صنایع مرتبط با نفت و گاز مرتبط سازد.

منبع درآمد ارزی کشور، صادرات نفت و گاز می باشد. قطر همچون دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس اقتصادی وابسته به نفت دارد. این در حالیست که با داشتن تنها 15 میلیارد بشکه نفت خام می تواند تا 23 سال دیگر از این ذخیره انرژی برای توسعه اقتصادش بهره ببرد. امروزه نفت 85 درصد از درآمد صادراتی قطر را تشکیل می دهد و 60 درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور آسیایی با درآمد نفتی ایجاد شده است.

در کنار نفت قطر یکی از بزرگترین دارندگان گاز طبیعی در جهان است. قطر سومین کشور دارنده ذخایر گاز پس از روسیه و ایران است این کشور 7000 کیلومتر مکعب ذخیره گاز طبیعی دارد که معادل 5 درصد از کل ذخایر گاز طبیعی جهان است. امروزه قطر نه به دلیل حجم ذخایر نفتی بلکه به دلیل پتانسیل بالا در تولید و صادرات گاز طبیعی و گاز طبیعی مایع مورد توجه سرمایه داران بزرگی همچون آمریکا است.

قطر به علت پیش دستی در بهره برداری از منطقه گازی پارس جنوبی، توانسته است بیش از ایران از این میدان گازی مشترک، گاز طبیعی استخراج کند و به رشد سریع اقتصادی دست یابد. در حالی که این کشور رشد نزدیک به 20 درصد را تجربه می کند. این کشور بزرگترین صادر کننده گاز طبیعی مایع (LNG) در جهان است. درآمد خالص قطر از صادرات نفت و گاز در سال 2014 میلادی حدود 38 میلیارد دلار برآورد شده است.

درآمد بالای نفت و گاز و جمعیت کم در این کشور یک ساختار رفاهی بی کم و کاست برای شهروندان قطری ایجاد کرده است. این کشور با حدود 130 هزار دلار آمریکا درآمد سرانه در سال، بالاترین را در جهان دارد. قطر کشوری وابسته به واردات است. حدود نیمی از مواد خوراکی مصرفی از مرز زمینی با عربستان وارد می شود. برگزاری جام جهانی 2022 فرصتی طلایی برای اقتصاد این کشور خواهد بود. قطر علاوه بر عضویت در سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) عضو کشورهای تولید کننده و صادر کننده گاز (اوجک) نیز می باشد. قطر از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی ثروتمندترین کشور در دنیای اسلام است. سرانه قطر به حدی بالا است که اغلب وضعیت اقتصادی این کشور نه با کشورهای خاورمیانه که با اقتصادهای بزرگ اروپایی مقایسه می شود. طبق آمارهای موجود سرانه تولید ناخالص داخلی این کشور کوچک عضو شورای همکاری خلیج فارس معادل سه چهارم کشورهای اروپایی است و با توجه به سیاستهای این کشور تا رسیدن به اقتصادهای برتر جهان راه درازی باقی نمانده است.

اقتصاد قطر یکی از صنعتی ترین اقتصادهای حوزه خلیج فارس است. 81 درصد از اقتصاد قطر را صنعت، 18/8 درصد را بخش خدمات و 0/2 درصد را کشاورزی تشکیل می دهد.

مهمترین صنایع فعال در این کشور آسیایی را می توان صنعت تولید نفت خام، صنعت پالایش نفت، تولید آمونیاک، کود شیمیایی، پتروشیمی، تولید شمش های فولادی، سیمان و تعمیر کشتی های تجاری نام برد. قطر سالانه حجم کلانی از محصولات کشاورزی و مواد غذایی مورد نیاز خود را وارد می کند. قطر در سال های گذشته حجم زیادی سرمایه گذاری خارجی جذب کرد. حجم این سرمایه ها با افزایش حضور آمریکا و سرمایه های آمریکایی بیشتر شد و زمینه را برای بیشتر شدن نرخ رشد اقتصاد این کشور فراهم کرد. توسعه همه جانبه اقتصاد قطر و بالا رفتن سرانه تولید ناخالص داخلی در این سرزمین سبب شد تا قطر به پایگاه اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس بدل شود. این کشور هم اکنون مرکز بانک داری کشورهای حوزه خلیج فارس است و انتظاری رود تا چند سال آینده این نقش پررنگ تر شود.

شاید به همین دلیل است که قطر علیرغم دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس عجله ای برای کاهش وابستگی به صنعت نفت و گاز و ایجاد تنوع در اقتصاد ندارد. این کشور در هر سال درآمد کلانی از نفت و گاز بدست می آورد و با توجه به حجم کلان سرمایه های خارجی موجود در آن و حمایت های اقتصادی ایالات متحده امریکا در نظر دارد تا حد امکان از این موقعیت استفاده ببرد.

در سال گذشته میلادی قطر معادل 33 درصد از تولید ناخالص داخلی خود سرمایه خارجی جذب کرد. به گزارش کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد کشور قطر در میان 141 کشور رتبه دهم را از نظر شاخص پتانسیل جذب سرمایه های خارجی دارد و این به معنای آینده ای روشن تر برای اقتصاد قطر است.

پژوهشگران واحد مطالعات اقتصادی رسیدن حجم سرمایه گذاری خارجی قطر به 6 میلیارد دلار را امری محتمل می دانند زیرا بستر حاکم بر اقتصاد این کشور برای جذب سرمایه ها مناسب است.

به گزارش واحد مطالعات اقتصادی EIU کشور قطر از نظر فرصت های بازاری، سیاست های دولتی برای واحدهای تولیدی کوچک و قدرت رقابت در جهان، سیاست های دولت برای سرمایه گذاران خارجی، سطح کنترل بر تجارت و نرخ تبادل ارز، مالیات ها، تامین مالی طرح ها، بازار کار و زیرساخت ها در موقعیتی است که توجه بسیاری از سرمایه گذاران را به خود جلب می کند.

از طرف دیگر ثبات اقتصادی این کشور حوزه خلیج نیز یکی دیگر مسایلی است که ریسک سرمایه گذاری را کاهش می دهد و سبب می شود هر روز بر شمار سرمایه گذاران خارجی در این کشور افزوده شوند.

اولین اقدام در سال های آغازین قرن حاضر انجام شد که به زنان این کشور فرصت بیشتری برای حضور در عرصه های مختلف علمی و اجتماعی داده شد. دولت قطر این کار را اولین گام در راه مدرنیزه شدن اقتصاد و اجتماع خوانده است. دولت این کشور در صدد است تا سرمایه های خارجی را به بخش پتروشیمی و بخش های غیر مرتبط با انرژی نیز هدایت کند.

قطر از یک طرف در میان کشورهای حوزه خلیج فارس بستر مناسب تری برای جذب سرمایه ها دارد و از طرف دیگر در میان کشورهای عربی از نظر ساختار اجتماعی پیشرفته تر است. پس سرمایه گذاران خارجی ترجیح می دهند به جای ورود به عرصه های محدود اجتماعی کشورهای عربی وارد اقتصاد ثروتمند و اجتماع نسبتاً آزاد قطر شوند و از تمام بخش های آن بهره ببرند.

اخیراً نشریه آمریکایی «Global Finance»، ثروتمندترین کشورهای جهان را اعلام کرد که قطر در راس این لیست قرار دارد و به دنبال آن کشورهایی چون لوگزامبورگ، نروژ و سنگاپور قرار دارند.

اوضاع اجتماعی، فرهنگی و آموزشی:

88/4 درصد جمعیت قطر مهاجر و 11/6 درصد جمعیت آن بومی هستند و امید به زندگی در این کشور 78/7 سال است. 99/5٪ قطری ها مسلمان و بیشتر آنها سنی سلفی هستند. حدوداً 5 تا 15 درصد از شهروندان این کشور را

نیز شیعیان تشکیل می‌دهند. قومیت: 25٪ هندی، 17/3٪ نیالی، 12/1٪ قطری، 10/7٪ بنگلادشی، 10٪ فیلیپینی، 5/6٪ سریلانکایی، 4/8٪ پاکستانی، 1/3٪ ایرانی و 13/2٪ دیگر قومیت‌ها. قطر به علت مهاجر پذیری دارای فرهنگ واحدی نیست. حضور شمار بسیاری از اتباع کشورهای مختلف، این کشور را به صورت ترکیبی از فرهنگ‌های مختلف در آورده است. دین رسمی آن اسلام و اکثریت جمعیت کشور مسلمان هستند. با این حال به دلیل اکثریت مسلمان جمعیت این کشور، آداب و رسوم جامعه با مقداری تفاوت، شبیه یکدیگر بوده و از این جهت جامعه مذهبی و سنتی قطر بر بقیه آداب و رسوم موجود در این کشور غلبه دارد. فرهنگ بومی قطر طی دهه های اخیر متأثر از فرهنگ های ایرانی، هندی، پاکستانی، فیلیپینی و فرهنگ غربی بوده است. به دلیل همسایگی قطر با ایران طبیعت انسانی و اجتماعی قطر تا حدودی شبیه فرهنگ اجتماعی مردم جنوب ایران است. قطر دارای یک جامعه آرام با روابط عاطفی خوب و مناسب می باشد. مهمترین معضل فرهنگی و اجتماعی که تقریباً در سالهای اخیر در قطر پیدا شده مربوط به استخدام خدمه های خارجی و سپردن فرزندان خردسال به دایه های فیلیپینی، هندی و بنگلادشی است. دولت قطر به دلیل رفتار "غیر انسانی" کارفرماها با کارگران مهاجر، از سوی سازمان های مدافع حقوق بشر، بارها مورد انتقاد قرار گرفته است.

جاذبه های گردشگری:

ورزش های آبی در قطر طرفدار دارند. شهر الخبر دارای موزه های گوناگون است که در 50 کیلومتری شمال دوحه است. مسجدهای قدیمی شهر الواکرا در 20 کیلومتری جنوب دوحه قرار دارند. در ام صلال محمد واقع در 15 کیلومتری شمال دوحه یک مسجد و دژ قدیمی قرار دارد.

مناسبات خارجی:

دولت قطر همواره در سیاست خارجه خود با ایران در میان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس اندیشمندانه حرکت کرده و با توجه به اینکه عضو این شورا هستند و می بایست از مشی سیاسی آن پیروی کنند اما در شرایط حساس، موضعی منطقی اتخاذ کرده اند، به طور مثال قطری ها حتی در زمان جنگ ایران و عراق و پس از آن در بحران های منطقه ای همواره رابطه خود را با ایران حفظ کرده اند.

پس از پایان جنگ ایران و عراق و حمله عراق به کویت، قطر به عنوان تنها کشور منطقه در سال 1369 رسماً اجرای قرارداد 1975 الجزایر بین ایران و عراق را مورد تایید قرار داد. قطری ها در خصوص اختلاف جزایر ایرانی با امارات نیز هیچگاه به صراحت از آن حمایت نکردند.

در جریان اقدام دولت سعودی در قطع روابط با جمهوری اسلامی ایران که اخیراً رخ داد و تلاش کرد برخی کشورهای عربی دیگر مانند سودان، بحرین و جیبوتی را به قطع روابط مجبور کند اما قطر در کنار عمان و امارات به این کار سعودی ها تن در ندادند و رابطه خود با ایران را همچنان حفظ کردند.

قطر از نخستین اعضای اوپک و عضو هیئت مؤسس شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس و همچنین عضو اتحادیه کشورهای عرب است. این کشور روابط دوجانبه با کشورهای مختلف دارد. از جمله میزبان یک پایگاه هوایی مشترک آمریکایی-بریتانیایی به نام پایگاه هوایی العدید است. قطر در مذاکرات صلح افغانستان درگیر است و به طالبان اجازه تأسیس دفتر سیاسی در دوحه داده است. همچنین بعد از مشکلات پیش آمده بین حماس و دولت مصر، قطر میزبان دفتر حماس نیز می باشد. در سال 2014 روابط قطر با بحرین، عربستان سعودی و امارات بر سر حمایت قطر از گروه اخوان المسلمین و گروه‌های پیکارجوی افراطی در جنگ داخلی سوریه به تیرگی کشید. در نتیجه، در ماه مارس 2014 این سه کشور در اقدامی هماهنگ سفرای خود را از دوحه فراخواندند. هر چند این اختلافات چند ماه بعد از طریق مذاکرات بین کشورهای عضو شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس فروکش کرد.

رابطه با عربستان و بحرین در روابط سیاسی در سال 2017:

پیشینه اختلاف‌های مرزی و سرزمینی عربستان سعودی با قطر به میانه‌های سده نوزدهم باز می‌گردد. اختلافات مرزی و سرزمینی عربستان سعودی و قطر شامل باریکه‌ای از زمین‌های جنوبی قطر می‌شود. عربستان سعودی مدعی مالکیت 23 مایل از سواحل جنوب شرقی قطر است و دو کشور در مورد مرزهای جنوب غربی و سلوا نیز با یکدیگر اختلافات ارضی دارند. بنابراین، اختلافات مرزی و سرزمینی میان دو کشور از خلیج «سلوا» واقع در جنوب باختری قطر آغاز و تا "خورالعدید" واقع در جنوب خاوری قطر امتداد می‌یابد. نسبت به اراضی جنوب شرقی قطر، ابوظبی نیز ادعاهایی دارد.

در سپتامبر 1992 نیروهای نظامی عربستان سعودی به قطر تجاوز کردند و بخش‌هایی از خاک این کشور را به تصرف درآوردند. به دنبال آن، قطر اجرای قرارداد مرزی 1965 با عربستان سعودی را به حال تعلیق در آورد و به عنوان اعتراض از شرکت در نشست‌های شورای همکاری خلیج فارس خودداری کرد. پس از 3 ماه کشمکش، سرانجام با میانجی‌گری مصر، دو کشور موافقتنامه‌ای برای حل و فصل اختلافات مرزی‌شان منعقد کردند. قطع روابط چند دولت عربی با دوحه بر سر آن چه حمایت از ایران و گروه‌های تروریستی خوانده می‌شود، که پیش‌تر نیز در سال 2014 اتفاق افتاده بود، نقطه عطفی در روند تحولات شتابان منطقه و عمیق‌ترین شکاف در ائتلاف و همراهی مهم‌ترین کشورهای جهان عرب طی سال‌های اخیر برای منزوی کردن تهران در منطقه است. به‌زعم تحلیلگران و کارشناسان ایرانی-غربی و عربی، این شکاف که اختلافات گسترده دولت‌های عربی در ارتباطات درون عربی و برون عربی به‌خصوص با ایران و ترکیه را به سطح آورده است، در ارتباط با بحران آفرینی مثلث واشنگتن، ریاض و تل‌آویو برای منطقه است که کاملاً با نقش و حضور ایران، ارتباط و پیوند معنادار دارد. در 5 ژوئن سال 2017 عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مصر ارتباط دیپلماتیک خود را با قطر قطع کردند. این واقعه به بهانه حمایت قطر از افراطی‌گری و تروریسم رخ داد.

همه بندرهای عربستان هم به روی کشتی‌های قطری، کشتی‌هایی که پرچم قطر را حمل می‌کنند و حتی کشتی‌هایی که متعلق به شرکت‌ها یا افراد حقیقی قطری هستند بسته شدند. امارات متحده عربی هم، ورود کشتی‌های قطری را به بندر فجیره ممنوع کرد. همچنین عربستان دفتر محلی شبکه الجزیره را که متعلق به حکومت قطر است تعطیل و مجوز آن را لغو کرد. امارات هم شبکه بین اسپورت، متعلق به الجزیره را تعطیل کرد. محدودیت‌ها از قطع رابطه با قطر فراتر رفته و شهروندان عربستان، مصر، بحرین، امارات، لیبی و یمن از سفر، زندگی یا عبور از مرزهای قطر منع شده‌اند. در پی این تحریم‌ها، ایران مرز هوایی خود به روی قطر را باز کرده و پیشنهاد تامین نیازهای خوراکی و همکاری گسترده با قطر را داده است.

سابقه روابط دوستانه ایران و قطر:

ایران و قطر از روزگاران کهن به لحاظ هم‌کیشی و همسایگی، روابط بسیار دوستانه‌ای داشته‌اند که علاوه بر مبادلات بازرگانی و رفت و آمدهای پی‌در‌پی بین مردم دو سرزمین، جهت‌گیری‌های سیاسی مشترک برای امنیت و آرامش در منطقه نیز باعث شده این دو کشور همواره برای گسترش روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پیشگام باشند.

روابط کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس که در طول تاریخ گذشته در همسایگی کشوری بزرگ و قدرتمند مانند ایران بسر برده‌اند هیچگاه به نزاع و درگیری کشیده نشده است بلکه در میان شش کشور همسایه جنوبی (عمان، قطر، بحرین، عربستان، امارات، کویت) هستند کشورهایمانند قطر و عمان که رابطه دوستی و همسایگی خود را حفظ کرده و آن را استمرار داده‌اند.

کشورهایی مانند قطر و عمان همواره تلاش کرده‌اند تا سیاست‌های خود را در قبال ایران به دور از بحران و اختلاف و درگیری نگاه دارند. کشور قطر به دلیل موقعیت استراتژیک و مهمی که در میان این کشورها دارد و بخصوص به دلیل داشتن رابطه تاریخی و فرهنگی با ایران همواره تلاش کرده ارتباط خود را با ایران حفظ نماید.

روابط سیاسی

ایران جزء اولین کشورهایی بود که پس از استقلال، دولت قطر را به رسمیت شناخت. روابط دیپلماتیک ایران و قطر رسماً از تاریخ 24 مهرماه 1350 (با گذشت یک ماه از استقلال آن) در سطح سفیر آغاز شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران ادامه داشت. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران روابط سیاسی دو کشور تا سال 1366 در سطح کاردار و از این سال به بعد، به سطح سفیر ارتقاء یافته است.

روابط ایران و قطر از زمان‌های گذشته دوستانه و بر پایه احترام بوده است. ایران که خواهان تفاهم و گسترش روابط دوستانه با همه کشورها بود، از نخستین کشورهایی بود که استقلال قطر را به رسمیت شناخت و باز آمدن این سرزمین کهن را به جامعه بین‌المللی تبریک گفت و در 24 مهر 1350 ه-ش (16 اکتبر 1971 م) اعلام شناسایی و برقراری روابط سیاسی در سطح سفارت بین دو کشور منتشر شد.

امیران پیشین قطر بارها و بارها از زمان استقلال آنها از استعمار انگلیس به ایران سفر کرده اند و در سال 1349 هـ ش (1970 م) موافقتنامه تعیین حدود فلات قاره بین ایران و قطر امضا شد. در 6 آذر 1350 هـ ش (1971 م) نخستین سفیر ایران در قطر وارد دوحه شد و در 11 آذر 1350 هـ ش، استوار نامه خود را به امیر قطر تسلیم کرد. پس از این که در سوم اسفند 1350 هـ ش (1972 م) شیخ خلیفه بن حمد آل ثانی عهده دار امور قطر شد روابط دو کشور در جهت منافع طرفین گسترش یافت. در بیستم فروردین 1351 هـ ش (1973 م) نخستین سفیر قطر در ایران نیز به تهران آمد.

روابط ایران و قطر روز به روز گسترش فزاینده ای یافته و پیوندهای استواری بین ملت ایران و قطر به وجود آمده است، به طوری که در دیدار مقامات دولت قطر با دولتمردان ایران، بارها از روند رو به گسترش روابط ایران و قطر اظهار خشنودی شده است.

قطر و مردم آن طرفدار ایران و فرهنگ ایرانی هستند، سفرهای امیر قطر به تهران و سفرهای رئیس جمهوران پیشین ایران به قطر، گستردگی فوق العاده روابط بین دو کشور را به دنبال داشته است و بطور مثال مقامات قطری همیشه نقش ایران و زمینه سازی آن در انتقال میزبانی کنفرانس اسلامی به دوحه را مورد تاکید قرار داده اند. ایران در میان شش کشور جنوب خلیج فارس، پس از عمان، بالاترین سطح روابط را با قطر دارد. قطر در محافل بین المللی از ایران و سیاست های هسته ای آن حمایت کرد. تهران و دوحه در سال های اخیر همواره شاهد ترافیک سنگین رفت و آمد مقامات دو کشور و در راس آن سران دو کشور بوده است.

روابط اقتصادی

پیشینه روابط اقتصادی ایران و قطر به صادرات مواد غذایی از ایران به قطر و تبادل کالا بین مرزنشینان جنوبی ایران و دوحه که از سالیان گذشته آغاز گردید بر می گردد. بیش از صد سال است که این نوع مراودات اولیه بین سکنه دو کشور ادامه داشته و همزمان نیز نیروی کار ایرانی، رفت آمد و مهاجرت خود را به این منطقه آغاز نمودند. با کشف نفت در این کشور و رونق اقتصادی آن، مرکز توسعه صادرات ایران در خرداد 1355 به عنوان اولین نمایندگی اقتصادی ایران در دوحه افتتاح گردید. یکی از دلایل عمده تجارت پایین بین دو کشور مشابه بودن ساختار واردات و صادرات ایران و قطر می باشد.

حیوانات زنده و دام به عنوان دومین گروه عمده کالایی صادرات ایران به قطر می باشند. در این زمینه کشورهای استرالیا، سوریه، عربستان، ایران، کویت و امارات عمده صادرات آن را به قطر بر عهده داشته و بیش از 96 درصد از نیاز بازار قطر را تامین می کنند. ایران در این گروه 12/9 درصد از صادرات را تامین و جایگاه چهارم را در اختیار دارد. محصولات شیمیایی آلی سومین گروه کالاهای صادراتی کشورمان به قطر می باشد. شش کشور اول در این گروه عبارتند از آمریکا، آلمان، ایران، ترکیه، کره جنوبی و ایتالیا. این شش کشور در مجموع 60 درصد نیاز بازار قطر را تامین می کنند. ایران در این گروه جایگاه سوم را در اختیار داشته و 10 درصد نیاز بازار قطر را تامین می

نماید. چهارمین گروه کالایی صادراتی ایران به قطر شامل گوگرد، گچ، آهک و سیمان می باشد و سهم ایران 10 درصد از بازار می باشد. در این زمینه کشورهای امارات، هند، پاکستان، چین، تایلند و تایوان در رتبه های اول تا ششم قرار دارند. در این بخش پتانسیل عظیمی در داخل کشور برای گسترش صادرات به قطر وجود دارد که در صورت تامین امکانات لجستیک در داخل کشور و بازاریابی مناسب در قطر می توان میزان صادرات را تا حد زیادی گسترش داد.

در مجموع پنج گروه کالایی شامل مصنوعات از چدن، آهن یا فولاد، حیوانات زنده، محصولات شیمیایی آلی، گچ، آهک و سیمان و چربی ها و روغن های حیوانی یا نباتی تشکیل دهنده بیش از 73 درصد از صادرات کشورمان به قطر می باشند و با توجه به مزیت نسبی کشورمان در تولید این کالاها می توانند با برنامه ریزی و بازاریابی مناسب سهم بیشتری از بازار قطر را بخود اختصاص دهند.

از دیرباز بخش عمده ای از احتیاجات مواد غذایی قطر از طریق بنادر جنوبی ایران تامین شده است. در همین حال به موازات رونق اقتصادی در قطر که در پی کشف نفت در آن آغاز شده بود نیروی کار ایرانی نیز به این منطقه مهاجرت کرده و در بخش های مهمی از اقتصاد این کشور حضور دارند.

از سال 1371 مرکز جدیدی به کمک وابسته کار جمهوری اسلامی ایران در دوحه با مشارکت دو کشور شروع به کار کرد که به کار فروش کالاهای ایرانی و ارسال برخی کالاها به ایران مشغول است. بازار کالاهای ایرانی در قطر در حقیقت پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی در سال 1367 تقویت شد و بخصوص در سال 1370 رونق بیشتری یافت. در اواخر همین سال بازار پيله وران ایرانی در بندر دوحه معروف به 'فرضه' برپا شد و به رغم نداشتن امکانات اولیه و تسهیلات، موجب رونق بیشتر مبادله بازرگانی بین دو کشور گردید. استقبال غیرمنتظره مصرف کنندگان قطری از این بازار به گونه ای بود که حتی افراد برجسته و برخی مقامات این کشور را هم شامل می شد و بسیاری از مقامات قطری شخصا مایحتاج خود را از آن خریداری می کردند.

ایران و قطر برای همکاری های دوجانبه ارزش بسیاری قائلند و به همین جهت همکاری های دو طرف در حال گسترش است. در این زمینه می توان به بهره برداری مشترک از بزرگترین حوزه های گاز جهان در مرز دریایی ایران و قطر به نام حوزه پارس اشاره کرد.

ایران و بازار قطر

با توجه به فرصت پیش آمده برای ایران در بازار قطر بعد از بحران روابط آن کشور با برخی از کشورهای عربی و تجربه از دست دادن بازار روسیه نشان داد که موفقیت و ماندگاری در بازارهای جهانی، تنها منوط به اعلام آمادگی برای ارسال کالا نیست، بلکه باید مقدمات انجام یک تجارت بلند مدت و خلاقانه نیز فراهم شود.

متأسفانه اکنون مقدمات و بستر مناسب برای تجارت با قطر از سوی کشورمان فراهم نیست و این حکایت از آن دارد که بازار قطر را هم به سادگی بازار روسیه از دست خواهیم داد. نخستین موضوع برای انجام تجارت و مرادده

اقتصادی با هر کشوری، بحث روادید و تردد آسان است. در حال حاضر صدور روادید برای صادرکنندگان ایرانی و نیز تردد در کشور قطر به آسانی انجام نمی‌شود.

مسئله دوم که تبدیل به یک عامل بازدارنده قوی برای تجارت ایران با هر کشوری از جمله قطر شده است، موضوع به‌روز نبودن حمل‌ونقل است. سیستم حمل‌ونقل کالا در ایران ظرفیت پاسخگویی به تقاضای بالا در طولانی‌مدت را ندارد.

میزان تجارت ایران با قطر در بهترین حالت در حدود 150 میلیون دلار بوده است و حالا چنانچه بخواهیم سهم خود را از بازار قطر به 4 الی 5 میلیارد دلار افزایش دهیم، قطعاً نیازمند ظرفیت‌سازی و سرمایه‌گذاری گسترده در سیستم حمل‌ونقل کشور هستیم.

موضوع کیفیت به عنوان یک عامل اصلی در توسعه صادرات است. این عامل یکی از رموز ماندگاری در بازارهای جهانی است. از آنجایی که قطر یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است، بازار آن تنها به کالاهایی با استانداردهای به‌روز آمریکا و اروپا روی خوش نشان می‌دهد، که متأسفانه در حال حاضر بخش زیادی از کالاهای ایرانی در این حد از کیفیت نیستند. قطعاً کیفیت درخواستی کالا برای بازار قطر کاملاً متفاوت از بازار عراق و افغانستان است. رقابتی نبودن قیمت کالاهای ایرانی از دیگر مشکلات توسعه صادرات است و متأسفانه قیمت کالاهای ایرانی بسیار بالاتر از نرخ کالاهای مشابه خارجی در بازارهای بین‌المللی است. به طور مثال مرغ گوشتی تولید ایران در بازار روسیه دو برابر قیمت مرغ گوشتی کشور برزیل بود و همین مسئله موجب شد تا بازار روسیه در این بخش را از دست بدهیم.

قطر از جمله کشورهایی بود که پس از اجرایی شدن برجام، روابط بانکی خود را با ایران برقرار نکرد و همین مسئله موجب شده تا مراوده تجاری ایران با این کشور ثروتمند در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد. از این‌رو در صورت صادرات گسترده کالاهای ایرانی به قطر، معلوم نیست از چه کانالی پول کالاها به صادرکنندگان ایرانی پرداخت می‌شود.

با توجه به موانع یاد شده در مسیر تجارت با قطر، پیش‌بینی می‌شود در بازار این کشور همانند بازار روسیه توفیق چندانی به دست نیاوریم. از آنجایی که وقت زیادی برای ورود و تثبیت جایگاه کالاهای ایرانی در بازار قطر نداریم، بنابراین به دولت توصیه می‌شود که به تولیدکنندگان و صادرکنندگانی که کالای صادراتی اعلا و باکیفیت دارند، مشوق‌های نقدی پرداخت کند. قطعاً این مشوق‌های نقدی می‌تواند قیمت کالاهای ایرانی در بازار قطر را در مقایسه با مشابه خارجی تعدیل و رقابتی کند.

گفتنی است بر اساس اخبار منتشر شده، کشور ترکیه از همان روزهای نخست اعمال تحریم بر ضد قطر، اقدام به صادرات گسترده انواع محصولات خود کرده، به‌گونه‌ای که فروشگاه‌ها و مراکز خرید قطر، هم‌اکنون مملو از کالاهای ترک شده است.

با وجود همراهی قطر با کشورهای غربی در اعمال تحریم‌های یک جانبه علیه ایران از بعد از انقلاب همیشه تراز تجاری دو کشور به نفع قطری‌ها سنگینی می‌کرده است. یعنی اگر تا پیش از انقلاب سال 1357 صادرات ایران به قطر بر وارداتش پیشی می‌گرفت از سال 1358 به بعد این قطری‌ها بودند که در موضوع صادرات به ایران حرفی برای گفتن داشتند.

اصلی‌ترین مشکل ما با قطری‌ها در بحث صادرات، مربوط به محدودیت‌های ایران در بحث حمل و نقل است. توقف فعالیت خط کشتیرانی ایران و قطر در کنار افزایش نرخ سودهای جابه‌جایی بار از بارزترین دلایل کاهش حجم صادرات ما به این کشور است چرا که کشتی‌هایی که در گذشته به ایران می‌آمدند با یک حساب سرانگشتی دیگر منفعتی در کار خود نمی‌بینند. علاوه بر این پارامترهای دیگری چون بالا رفتن قیمت سوخت در ایران نیز در کاهش مبادلات تجاری ما با قطر تاثیرگذار بوده است. برای رونق گرفتن تجارت ایران و قطر باید حمل و نقل دریایی دو کشور توسعه پیدا کند. باید سوخت ارزان در اختیار صنعت حمل و نقل دریایی ایران قرار گیرد تا برای تجار صرفه اقتصادی داشته باشد که به قطر کالا صادر کنند.

علاوه بر مشکل سوخت موضوعات دیگری نیز در کاهش صادرات ما به قطر تاثیرگذار بوده است. دولت قطر در صدور ویزا نیز سختگیری می‌کند. یعنی به گونه‌ای عمل می‌کند که امکان تردد افراد در این کشور به راحتی وجود ندارد. نخستین شرط تجار و معامله‌گران برای سرمایه‌گذاری راحتی در رفت و آمد است و بالطبع اگر این امکان وجود نداشته باشد حجم معاملات کاهش می‌یابد. این سختگیری برای تمامی افراد است؛ اما کار برای ایرانی‌ها اندکی دشوارتر است.

-روابط فرهنگی

به موازات برقراری و گسترش ارتباطات بازرگانی بین مردم ایران بخصوص میان اهالی جنوب کشور با مردم قطر و به تبع آن افزایش رفت و آمدهای آنان به دو کشور، روابط فرهنگی بین ایران و قطر نیز ادامه و گسترش یافته است. در این راستا بسیاری از اتباع قطر ترجیح می‌دهند تعطیلات خود را با سفر به ایران و بازدید از اماکن مذهبی، تاریخی و تفریحی سپری کنند. در چارچوب این روابط و توافق‌های انجام شده بود که مدارس ایرانی در قطر در سال 1351 تاسیس و آغاز به کار کرد تا مشکل آموزش برای دهها هزار ایرانی مقیم قطر حل شود.

بررسی بازار کار کشور قطر:

ویزای کار:

متقاضیان کار در کشور قطر حتی اگر به عنوان وابستگان فردی دیگر بخواهند در این کشور کار کنند باید حتماً ویزای کار داشته باشند. برای شروع مراحل و ارائه درخواست نیاز به یک اسپانسر در کشور قطر خواهید داشت. به دلیل اینکه تمام مشاغل ملی در کشور قطر متعلق به ساکنین آن است شما باید کارفرمایی داشته باشید که برای اقامت کاریتان در این کشور به عنوان اسپانسرتان در نظر گرفته شود. شما باید این مراحل را قبل از ورود به کشور

قطر انجام دهد. بعد از یافتن اسپانسر و پیشنهاد شغلی مراحل ارائه درخواست اقامت شما آغاز می شود و به طور معمول دو تا شش هفته طول خواهد کشید. اگر در طول مدت اقامت این کشور را ترک نمایید مجدداً باید این مراحل را انجام دهید و درخواست ویزا نمایید. اگر قبل از اقدام قصد بازدید از محیط کار و این کشور را دارید کارفرما برایتان یک ویزا با اعتبار دو هفته در نظر خواهد گرفت که به دو هفته دیگر نیز قابل تمدید است. اعتبار ویزای اقامت قطر به مدت دو سال است اما در بعضی مواقع ممکن است به طور شش ماهه باشد. فردی که دارای ویزای کار قطر است می تواند اسپانسر همسر و فرزندانش برای اقامت در کشور شود.

اصلاحات قطر برای پرداخت به موقع حقوق کارگران خارجی / تردید فعالان بین المللی حقوق کار درباره اجرای این تعهدات:

دولت قطر اعلام کرده است که اصلاحاتی را درباره تضمین دریافت حقوق ماهیانه کارگران خارجی مشغول به کار در این کشور انجام خواهد داد. در مقابل فعالان حقوق کارگر به اجرا در آمدن این شرایط را زیر سوال برده اند. هدف از این اصلاح قانون که با عنوان «سیستم حمایتی دستمزد» معرفی شده است، تضمین پرداخت حقوق کارگران خارجی در زمان معین است. بسیاری از کارگران در پروژه های مربوط به آماده سازی قطر برای میزبانی رقابت های جام جهانی سال 2022 مشغول به کار هستند.

براساس ابلاغیه این قانون کارگران خارجی حقوق خود را دو هفته یک بار یا ماهانه دریافت خواهند کرد و این حقوق به شکل الکترونیکی به حساب بانکی آنها پرداخت می شود.

پرداخت نشدن حقوق کارگران و به خصوص کارگران یقه آبی خارجی، در این کشور نفتی حاشیه خلیج فارس یکی از مهمترین اعتراض های فعالان بین المللی کارگری به این کشور در برخورد غیرانسانی با نیروی کار است. یک تحقیق دانشگاهی در سال 2013 نشان داد که یک پنجم نیروی کار خارجی قطر که حقوق پایینی هم دریافت می کنند هرگز یا به ندرت حقوق خود را در زمان مقرر دریافت کرده اند.

براساس این قانون شرکت هایی که حقوق کارگران را به موقع پرداخت نکنند 1650 دلار جریمه می شوند، تا پرداخت حقوق معوق از استخدام جدید منع شده و حتی در مواردی مدیران شرکت ها با خطر محکومیت حبس روبرو می شوند. همچنین یک گروه بازرسی مسئول نظارت بر اجرای این قانون خواهد شد.

سازمان عفو بین الملل که از جمله نهادهایی است که روی شرایط کار کارگران خارجی در قطر تمرکز کرده است اعلام کرده که بر روی این مساله اینکه این اصلاحات به درستی به اجرا در آید نظارت خواهد داشت.

تاکنون رقم بالایی از کارگران خارجی پروژه های ساخت استادیوم ها، هتل ها و سیستم های عمومی لازم برای برگزاری جام جهانی 2022 در قطر جان خود را در حوادث کار از دست داده اند و فعالان بین المللی حقوق کارگری پیش بینی می کنند که تا زمان برگزاری این مسابقات تعداد کشته های حوادث کارگری در قطر در میان کارگران خارجی به 4000 نفر برسد.

بیش از 250 هزار نفر کارگر خارجی در قطر تحت سیستمی به نام "کفالت" مشغول به کار هستند. تحت این سیستم اجازه کار و تداوم کار کارگر خارجی باید تحت کفالت یک شهروند قطری قرار داشته باشد. این سیستم راه را برای سواستفاده از نیروی کار، بهره‌کشی و تحت فشار قرار دادن آنها باز گذاشته است.

اعزام نیروی کار ایرانی به قطر:

اولین بار موضوع همکاری کار و کارگری میان دو کشور از سال 1356 مورد توجه دولتین وقت قرار گرفت. سپس توافق نامه همکاری های کار و کارگری و اجتماعی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت قطر در 1370/8/19 ه. ش. برابر با 1991/11/10 میلادی به طرفیت وزارت وقت کار و امور اجتماعی و وزارت امور خدمات شهری و مسکن قطر به امضاء رسید و متمم آن در 1378/2/30 ه. ش. مطابق با 1995/5/20 م در دوحه به امضاء دوطرف رسید ولی از آنجایی که توافق نامه ها می بایست به تصویب مجلس دو کشور برسد، در تاریخ 1380/1/19 متمم الحاقی آن به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس به تأیید شورای محترم نگهبان رسید.

1- مفاد متمم این توافقنامه شامل:

- استخدام نیروی کار ایرانی در صورت تمایل کارفرمای قطری از طریق وزارت کار و امور اجتماعی و یا کاربایی های خصوصی،
- مبادله اطلاعات بازار کار،
- اجرای برنامه های فنی و حرفه ای
- تبادل تجربیات و انجام کلیه مراحل ثبت نام و گزینش نیروی کار مطابق با نیاز کارفرمایان قطری
- ایجاد تسهیلات لازم برای سفر نیروی کار به قطر از سوی طرف ایرانی بوده است.
- برگزاری چهارمین اجلاس کمیسیون عالی مشترک همکاریهای اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران و قطر در بهمن ماه 1383 در دوحه و طرح مباحث مربوط به موافقتنامه همکاریهای بهداشتی از جمله اعزام نیروهای متخصص پزشکی و پرستار، تبادل هیأت‌های کنسولی فیما بین و اعزام نیروی کار و زمینه سازی اشتغال برای ایرانیان مقیم آن کشور و درج مفاد مربوط به وزارت متبوع در چهارمین یادداشت تفاهم در بند م «همکاری در زمینه های اشتغال و امور اجتماعی» ماده 29، طرفین علاقمندی خود را برای احیای موافقتنامه کارگری و اجتماعی و متمم آن که در تاریخ های 1370/8/19 هجری شمسی برابر با 1991/11/10 میلادی و 1378/2/30 برابر با 1995/5/20 در دوحه به امضاء رسیده است، ابراز نمودند.
- توافق همکاری دیگری بین دو کشور، به تفاهم نامه نشست کمیسیون عالی همکاری مشترک دو کشور در دوحه در بهمن ماه سال 1383 مربوط می شود که بر اساس ماده 6 موافقتنامه، مقرر شد " کمیته مشترک کاری

متشکل از سه نفر از هرطرف، به منظور اجرای مفاد توافقنامه به طور ادواری حداقل هر سال یک بار تشکیل جلسه خواهند داد" (که این امر تاکنون محقق نگردیده است).

به علاوه، آخرین تفاهم‌نامه مشترک منعقد شده در کشور در سال 1393 پیرامون همکاری در زمینه‌های مختلف مربوط به اعزام نیروی کار، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بهداشت و درمان، توسط آقای دکتر ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و همتای قطری آن صورت گرفت.

حال که قطری‌ها در حال آماده‌سازی سازوکار برگزاری جام جهانی 2022 در کشورشان هستند ما باید با صدور نیروی متخصص در بخش فنی - مهندسی و خدماتی بخشی از کار را بر عهده گیریم یا با شرکت در مناقصه‌های این رویداد بزرگ، تجارب نیروهای متخصص خود را به خدمت گیریم. می‌توانیم در بخش فنی - مهندسی و خدماتی با طرف قطری همکاری کنیم که البته رایزنی‌هایی نیز در این زمینه صورت گرفته است. صدور نیروی کار به کشورهای متقاضی از سالیان دور در برخی از دستگاه‌های مربوطه مطرح بوده اما هیچ‌گاه به سرانجام نرسیده است. طبعاً نیروی کار ایرانی تنها برای کار به این کشور می‌رود و پس از اتمام دوره فعالیتش باید به کشور بازگردد. اما به دلیل مشکلات اقامتی و همچنین موضوعاتی که پیرامون صدور روادید برای ایرانی‌ها وجود دارد رفتن به قطر بسیار سخت است و در همین رابطه باید مشکلات مالی و بانکی را که از حیث اعمال تحریم‌هاست نیز به آن اضافه کنید.

ایرانی‌ها از سال 1370 به صورت خرد در بندر دوحه بازاری را برای فروش کالاهای خود ایجاد کرده‌اند. اما مشکلی در رفت و آمد وجود دارد. ایرانی‌های حاضر در قطر برخلاف بیشتر کشورهای حوزه حاشیه خلیج فارس از قشر کارگر و ضعیف جامعه هستند که نه بیمه دارند و نه بازنشستگی. علاوه بر این حقوق خوبی هم دریافت نمی‌کنند.

بر اساس قوانین قطر کارگران خارجی شاغل در این کشور پس از 60 سالگی باید قطر را ترک کنند. متأسفانه بیشتر این افراد تمام عمر خود را به کارگری می‌پردازند و در سنین پیری هم که از آنجا اخراج می‌شوند نه بیمه‌ای دارند و نه حقوق بازنشستگی. ایرانی‌های شاغل در قطر مشکلاتی دارند که در هیچ کشور دیگری نمی‌توانید مشابه آن را پیدا کنید.

آنها برخلاف ایرانی‌های دیگر کشورهای عربی وضع مالی خوبی ندارند. به طور مثال در کشورهای نظیر امارات و کویت حداقل 30 درصد از ایرانی‌ها وضعیت مالی خوبی دارند اما این آمار در قطر تقریباً صفر درصد است. در کشورهای دیگر شاید ایرانی‌هایی که وضع مالی خوبی دارند بتوانند از دیگر هموطنان‌شان حمایت کنند اما در قطر کسی توان مالی حمایت از دیگری را ندارد. اگر هم باشد در حدود سه یا چهار درصد است. علاوه بر این آمد و شد این افراد به قطر نیز به راحتی امکان‌پذیر نیست.

قطر یکی از کشورهای ثروتمند و متمول جهان است که درآمد سرانه مردم آن در جهان مثال‌زدنی است. اما ایرانی‌ها اصلاً وضعیت خوبی در این کشور ندارند. یعنی بحث سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها در این کشور کم بوده است

یا اصلاً حقوقی که به کارگر ایرانی پرداخت می‌شود، کم است. به لحاظ ساختاری، ایرانی‌های شاغل در قطر اکثراً کم‌سواد هستند و به کارهای رده پایین می‌پردازند، ایرانی‌ای که به دنبال رشد اقتصادی باشد در این کشور کم است. شاید هم شرایط جامعه قطری به گونه‌ای است که ایرانی‌ها امکان رشد و شکوفایی در آن را ندارند. به صورت عرفی امکانی برای پیشرفت ایرانی‌ها مهیا نیست. مثلاً در دوحه مدرسه‌ای وجود دارد که با حمایت سفارت ایران تامین مالی می‌شود؛ اما با این وجود بعضی از دانش‌آموزان ایرانی به قدری فقیر هستند که نمی‌توانند هزینه آمد و شد خود را بپردازند. اگر فردی در مدرسه اعراب تحصیل کند هزینه‌های او را می‌پردازند اما هزینه تحصیل در مدرسه ایرانی‌ها بر عهده خود دانش‌آموز و دولت ایران است.

قطر کشوری است که تنها 25 درصد جمعیتش قطری هستند و در همه زمینه‌ها از نیروی کار خارجی استفاده می‌کند. در این کشور نیروی کار هندی و نیپالی از قطری بیشتر است. می‌توانیم در زمینه صدور نیروی خدماتی هم در قطر سرمایه‌گذاری کنیم اما هنوز زمینه‌ای برای ساماندهی فعالیت کارگر ایرانی در قطر وجود ندارد. با وجود شرکت‌های آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و حتی آفریقایی رقابت در قطر بسیار دشوار است. البته نباید تاثیر موضوعات سیاسی را نیز نادیده بگیریم. اگر بتوانیم بر اساس نقشه راهی که آقای روحانی ترسیم کرده است، حرکت کنیم می‌توانیم به کاهش تدریجی تحریم‌ها و به دنبال آن رونق حضور تجار و بازرگان ایرانی در تمامی کشورها از جمله قطر امیدوار باشیم.

نگاهی به خصوصی سازی و وضعیت اشتغال در کشورهای حوزه خلیج فارس:

خصوصی سازی موضوعی است که به مدت 15 سال البته با روندی محدود و آهسته در کشورهای حوزه خلیج فارس مورد بحث و بررسی قرار داشته است. این سرعت آهسته نشان دهنده نگرانی‌های آنان از عواقبی مانند افزایش بیکاری در آن کشورها بوده است. با این حال یکی از عوامل عمده در پشت صحنه عملکرد شورای همکاری خلیج فارس در حرکت به سمت خصوصی سازی، نیاز به از بین بردن بار مالی ناشی از هزینه سرمایه گذاری‌های انجام شده در این کشورها و همچنین فراهم نمودن فرصت‌های برابر در میان شهروندان این کشورها می‌باشد.

توضیح اینکه تحقیقات قبلی نشان می‌داد در این کشورها اقدامات پایدار بسیار کمی در جهت اشتغال جوانان صورت گرفته بود. اما تجربه اخیر شورای همکاری خلیج فارس شامل کشورهای بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به وضوح نشان داد ایجاد اشتغال جوانان نیاز به راهکارهایی بیش از ظرفیت بودجه موجود و رشد اقتصادی آنان دارد.

طی یک دهه گذشته افزایش چشمگیر قیمت نفت، توسعه اقتصادی سریع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را به همراه داشته و باعث ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و انباشت قابل توجه ثروت در آن کشورها شده است. نکته قابل توجه اینکه بخش مهمی از این افزایش ثروت سرمایه گذاری گسترده در پروژه‌های آموزش و پرورش و توسعه زیرساخت‌ها و در نهایت تنوع بخشی در اقتصاد این کشورها را به همراه داشته است. با این حال،

اعضای شورای همکاری خلیج فارس هنوز با تداوم نرخ بالای بیکاری جوانان، به ویژه برای زنان جوان روبرو هستند و این موضوع نشان می دهد توسعه اقتصادی صورت گرفته در حد مورد انتظار گره گشای حل چالش بیکاری جوانان جویای کار آنها نبوده است. زیرا از دید برخی کارشناسان بیکاری جوانان یک مشکل ساختاری پیچیده می باشد که طی یک فعل و انفعال طبیعی از رفتارهای اجتماعی و اقتصادی ریشه دار، بوسیله نهادهای قوانین و هنجارهای حاکم بر بازار کار و نظام آموزش و پرورش شکل گرفته است.

در حال حاضر وضعیت اشتغال در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بر اساس مدل رشد مبتنی بر صادرات نفت و درآمد حاصل از آن شکل گرفته است. به عبارت دیگر کشف ذخایر عظیم نفت در 1930 و استخراج آن موجب گردید بخش عمده درآمد و صادرات کشورهای خلیج فارس از منابع نفت باشد. به گونه ای که امروزه حداقل 80٪ از کل درآمد دولت ها در تمام کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را به خود اختصاص می دهد. البته به غیر از قطر که ترکیب درآمدهای نفت و گاز حدود 70 درصد از درآمدهای دولت آن کشور را شامل می شود. استخدام در این کشور هر دو نیروی ماهر و غیر ماهر بومی را شامل می شود که با توجه به برنامه های تدوین شده برای حفظ رشد سریع اقتصاد مبتنی بر نفت آنان بسیار ضروری به نظر می رسد. موضوع شکل دادن به وضعیت اشتغال نیروهای جویای کار کشورهای حوزه خلیج فارس به گونه ای بوده که اکثریت مشاغل در بخش خصوصی توسط اتباع غیر بومی پر شده است. باید در نظر داشت اگرچه حضور نیروی کار در این کشور پس از کشف اولیه نفت آغاز شده اما مهاجرت قابل ملاحظه نیروی کار عمدتاً پس از سال 1973، رونق بهای نفت و اجرای پروژه های توسعه بلند پروازانه افزایش چشمگیری یافته بود. چنین پروژه هایی منجر به افزایش سریع تقاضا برای جذب نیروهایی شد که می توانست توسط نیروی کار بومی تامین شود ولی به دلیل اینکه کارهای ایجاد شده خیلی کوچک بوده یا به مهارت های تخصصی نیاز نداشتند، به موازات آن، اتباع بومی در بخش های دولتی و تحت قراردادهای اجتماعی که به راحتی ارائه شده و از دستمزدهای خوبی برخوردار بود مشغول به کار شدند. بنابراین، امکان بهره برداری شهروندان این کشور از حق ثروت نفت بدون استفاده از نیروهای بومی در کارهای اجرائی منجر به ایجاد نرخ پایین مشارکت در میان اتباع این کشور و دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس به نسبت بیکاران دخیل در هر نفر استخدام شده است .

در کشور عربستان سعودی، در سال 2011، تنها 4,1 میلیون نفر از 19,4 میلیون نفر جمعیت کشور به کار گرفته شده و این موضوع منجر به این شد که هر فرد نان آور در این کشور به طور متوسط 5-4 وابسته را حمایت نماید . این شرایط در حالی در کشورهای حوزه خلیج فارس رخ داده که رشد اقتصادی اگرچه به طور مثال استانداردهای پزشکی را بالا برده، اما تسهیلات ایجاد شده نیز نتوانسته به طور محسوسی هنجارهای فرهنگی را تغییر دهد و نقش جنسیتی سنتی در خانواده های بزرگ همچنان مشهود بوده، در نتیجه نرخ باروری دهه های گذشته همچنان غالب و رشد جمعیت بسیار بالا می باشد به گونه ای که حدوداً یک سوم تا نصف جمعیت این کشورها را جوانان زیر 25 سال تشکیل می دهند.

از سوی دیگر بیشتر سهام شرکت های پتروشیمی شورای همکاری خلیج فارس به طور کامل و یا عمدتاً در دست دولت می باشد و همین امر موجب گردیده فرایند تصمیم گیری طولانی و دست و پا گیر شود اما به هر حال مشارکت بخش خصوصی در حال افزایش می باشد.

همچنین عربستان سعودی بیشترین نیروی کار در صنایع پتروشیمی منطقه را به خود اختصاص داده است. آمارهای منتشره نشان می دهد میزان اشتغال در بخش پتروشیمی این کشور در سال 2011، 15% بیشتر از سال 2010 در سایر کشورهای عربی خلیج فارس بوده و توانسته بیش از 74% کل نیروی کار مشغول در این صنایع را به خود اختصاص دهد.

نقش زنان در نیروی کار شرکت های پتروشیمی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس:

اگرچه بر اساس آمارهای موجود زنان در زنجیره ارزش بعضی از کشورهای خلیج فارس تا یک سوم نیروی کار شرکت های پتروشیمی را تشکیل می دهند ولی نقش آنها در رهبری و مدیریت این شرکتها بسیار محدود می باشد. هر چند اشتغال زنان در زنجیره ارزش شرکت های پتروشیمی در کویت و امارات بارز بوده و نقش گسترده تری دارند اما در عمان و بحرین شرایط آنان محدودتر بوده و در شرکت های پتروشیمی عربستان سعودی و قطر، اشتغال زنان در رده های بالاتر بخش پتروشیمی با محدودیت بیشتری روبرو می باشد. با این حال، چالش های دیگری نیز در مسیر استخدام زنان در رده های مدیریتی وجود دارد. به طور مثال بیش از نیمی از زنان این کشورها نمی توانند به مدرک مهندسی در این زنجیره ارزش دسترسی داشته باشند در نتیجه شرایطشان برای به دست آوردن مدارج بالا و مناسب در این بخش ها محدود می باشد.

روند تغییرات قوانین کار در قطر:

دولت قطر طی چند سال گذشته در راستای افزایش قابلیت سیستم اداری خود و کاهش انتقادات جهانی نسبت به شرایط نیروهای کار خارجی تغییرات مثبتی را به کار گرفته است. وزارت کشور و کار قطر برنامه ای برای رفع محدودیت ها در شرایط اشتغال کارگران خارجی تدوین نموده که شامل لغو سیستم اسپانسر است (سیستمی که براساس آن تمامی کارگران در طول مدت اقامت خود در این کشور موظف به پیروی از یک کارفرمای منفرد بوده و بر اساس آن نمی توانستند بدون اجازه کارفرما تغییر شغل داده یا کشور را ترک کنند). دیگر اصلاحات صورت گرفته شامل پرداخت دستمزد به صورت الکترونیکی توسط کارفرمایان در جهت بهبود و شفافیت پرداخت به موقع دستمزدها توسط کارفرمایان، و مجازات برای مصادره گذرنامه کارگران از سوی کارفرمایان است (جریمه ای که از ۱۰،۰۰۰ ریال (2700 دلار) به ۵۰،۰۰۰ ریال (13,700 دلار) را شامل می شود. وضعیت نیروی کار قطر به دنبال میزبانی جام جهانی 2022 فوتبال این کشور تحت بررسی دقیق در آمده است. در این کشور با جمعیت کوچک بومی، حدود یک میلیون و ششصد هزار کارگر مهاجر، متمرکز در بخش ساخت و ساز هستند. نکته قابل توجه اینکه تنها حدود 10 درصد از مردم با سن بالای 14 سال شهروندان قطر می باشند. در زمینه خصوصی سازی

تصمیم قطر جهت خصوصی سازی شرکت های کلیدی بخش عمومی موجب بهبود بهره وری و عملکرد آنها شده و تاثیر بسیار مثبتی بر اقتصاد آن کشور داشته است.

قطر قصد دارد با استخدام گروهی از مشاورین بین المللی به مطالعه این موضوع بپردازد که چگونه دولت می تواند سهم بیشتری از اقتصاد خود را به بخش خصوصی واگذار کند.

ترکیب نیروی کار در کشورهای عربی منطقه خلیج فارس:

تجارب اخیر در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به وضوح نشان داده در بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی تامین شرایط اشتغال جوانان به بودجه ای بیش از ظرفیت فعلی بودجه و رشد اقتصادی آنها نیاز داشته و متکی به انتظار برای افزایش قیمت نفت در منطقه مانند سال های نه چندان دور می باشد. توسعه سریع اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس در طول دهه گذشته باعث ایجاد شغل و انباشت ثروت قابل توجهی شده است و بخش قابل توجهی از ثروت حاصله به سرمایه گذاری گسترده در پروژه های آموزش و پرورش و زیر بنایی منتقل و به ایجاد تنوع در بخش های مختلف اقتصادی این کشورها منجر شده است. ولی در عین حال آنان همچنان با تداوم نرخ بیکاری بالای جوانان، مخصوصاً زنان جوان روبرو بوده، توسعه اقتصادی را تنها راه حل چالش بیکاری جوانان نمی دانند.

ترکیب نیروهای مهاجر کاری و سیستم (سرپرستی kafala):

سیستم kafala به عربی "نظام الكفالة"، به معنی «نظام سرپرستی برای نظارت بر کارگران مهاجر است که بیشتر در ساخت و ساز و بخش های داخلی، کشورهای بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی استفاده می شود. این سیستم مبتنی بر نیاز کارگران غیر ماهر در کشورهای عضو شورا بوده، معمولاً کارفرمایان مسئول ویزا و اخذ مجوزهای قانونی کارگران مهاجر می باشد. این عمل مورد انتقاد سازمان های حقوق بشر به جهت ایجاد فرصت های آسان برای بهره کشی از کارگران مهاجر است. بسیاری از کارفرمایان گذرنامه کارگران را گرفته و به سوء استفاده از آنان می پردازند و کارگران فرصت کمی برای تعقیب قانونی کارفرمایان در این کشورها دارند.

تحت سیستم kafala در عربستان سعودی، یک کارفرما مسئولیت استخدام یک کارگر مهاجر را دارد و کارفرما باید اجازه بدهد که کارگر مهاجر وارد کشور شده، یا از کشور خارج شود.

در قطر حدود 2 میلیون کارگر خارجی، عمدتاً از هند، پاکستان، بنگلادش، نپال، و فیلیپین، 94 درصد از نیروی کار این کشور را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر تقریباً به ازای هر شهروند قطری پنج کارگر خارجی وجود دارد که عمدتاً خدمتکار و نیروهای غیر ماهر هستند. البته گزارش ها حاکیست بسیاری از این کارگران در چنان شرایطی قرار دارند که دیده بان حقوق بشر این موضوع را به "کار اجباری" و نزدیک به فئودالی تشبیه کرده است.

در اکتبر سال 2014، دیده بان حقوق بشر تخمین زده بود که 146 هزار کارگر خانگی مهاجر زن در امارات متحده

عربی حضور دارند که گذرنامه اکثر آنان توسط کارفرمایان مربوطه توقیف شده و در بسیاری از موارد علیرغم اضافه کاری زیاد (تا 21 ساعت در روز) به آنها دستمزد کاملی پرداخت نمی شود و علاوه بر این اجحاف صورت گرفته، مواد غذایی و شرایط درمان پزشکی که در اختیار آنان گذاشته می شود، ناکافی است. در سال 2009، بحرین اولین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) بود که به لغو سیستم kafala مبادرت نمود. لازم به ذکر است در همان زمان وزیر کار این کشور در بیانیه ای عمومی این سیستم را به برده داری تشبیه کرده بود.

تحول اساسی در بازار کار کشورهای عربی خلیج فارس:

-بحرین به تازگی اقدام به توسعه یک استراتژی جدید در استخدام ملی نموده که شامل ارائه یارانه های مالی برای آموزش شهروندان در بخش خصوصی و کمک های مالی به بیکاران می باشد. همچنین بهبود استانداردهای آموزش و پرورش و برنامه های آموزشی فنی و حرفه ای از دیگر اقدام های صورت گرفته در این کشور می باشد. از سوی دیگر سهمیه اشتغال نیروی کار بومی این کشور در شرکت های کوچک و متوسط افزایش یافته و همزمان با آن مبادرت به لغو "ویزای رایگان برای نیروهای کار خارج از کشور نموده است. -در کویت با تاسیس سازمان نیروی انسانی، برنامه تجدید ساختار دولت (MGRP) در سال 2001 جهت اجرای قانون کار و همچنین ارائه مزایای بیکاری به اتباع بیکار کویت عملاً آغاز و ارائه آموزش و تسهیل اشتغال اتباع این کشور در بخش های خصوصی در سپتامبر 2002 به تصویب رسیده است. همچنین سهمیه بندی اتباع کویتی جهت کار در بخش خصوصی از دیگر اقدام های صورت گرفته در این کشور بوده و انجام آن چنان مورد تاکید می باشد که شرکت های متخلف در عدم رعایت این قوانین در معرض جریمه و مواردی مانند محرومیت از حضور در مناقصه قراردادهای دولتی قرار می گیرند.

در عمان به جای سیستم قبلی، طرح نیروی کار دوگانه (ماهر / غیر ماهر) با حداقل دستمزد برای بهبود برنامه های آموزشی فنی و حرفه ای و حداقل دستمزد هماهنگ برای شهروندان به همراه ارائه مبلغی به عنوان کمک هزینه حمل و نقل ارائه شده است. مقامات عمانی همچنین به نوسازی نظام های آموزشی در تمام سطوح اقدام ورزیده، وزارت جدید نیروی انسانی در سال 2002 تشکیل و قانون کار تجدید نظر شده این کشور نیز در ماه مه 2003 به تصویب رسید.

در قطر به طور رسمی سیاست اشتغال برای فارغ التحصیلان به صورت خودکار به پایان رسیده و در حال حاضر برای جویندگان کار با حفظ اطلاعات شخصی افراد متقاضی در مورد فرصت های شغلی موجود خدمات مشاوره و اطلاعات لازم ارائه می شود. به گونه ای که دپارتمانی در وزارت خدمات اجتماعی مسئولیت این کار را بر عهده گرفته است.

در عربستان سعودی با مشارکت مالی بخش خصوصی صندوق توسعه منابع انسانی (HRDF) برای ارائه آموزش نیروی کار این کشور تشکیل شده، در زمینه تامین مهارت های مورد نیاز توسط بخش خصوصی و توسعه یک

پایگاه داده برای تطبیق و قرار دادن کارگران عربستان در بخش خصوصی فعالیت دارد. اجرای این برنامه از اهم اصلاحات سال های اخیر در این کشور می باشد.

در امارات متحده عربی با تاسیس اداره توسعه منابع انسانی و اشتغال ملی، توانسته اند به بهبود مهارت های اتباع این کشور و متقاضیان جدید دریافت شغل کمک موثر نموده، با ایجاد یک پایگاه داده های بازار کار ملی در راستای ایجاد تسهیلات جستجوی کار برای اتباع این کشور اقدام نمایند.

میزان اشتغال در بخش پتروشیمی کشورهای حوزه خلیج فارس:

برآوردها نشان می دهد بیش از 138 هزار نفر در بخش پتروشیمی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس مشغول به کار می باشند. این تعداد نمایندگان فروش و افرادی که خارج از کارخانه های پتروشیمی کار می کنند تا کارمندان و کارگران داخل کارخانه ها را شامل می گردد. نرخ رشد سالانه اشتغال در این بخش از سال 2008 تا 2012 نزدیک به 13,5 درصد بوده است. ولی تنها در سال 2012 این رقم نسبت به سال 2011، 18% رشد داشته است. عربستان سعودی 55% نیروی کار بخش پتروشیمی این کشورها را به خود اختصاص داده است. از سال 2008 این درصد رشد در عربستان سالانه 12,7 درصد بوده، به گونه ای که نزدیک به 76 هزار و 500 نفر در بخش های مختلف پتروشیمی این کشور مشغول بکار می باشند .

امارات متحده عربی دومین کشور منطقه است که بیش از 38 هزار نفر در واحدهای پتروشیمی آن مشغول به کار بوده و 27 درصد سهم این صنعت را در بین کشورهای عربی به خود اختصاص داده است. این کشور بین سال های 2008 تا 2012 بیش از 15,4 درصد رشد اشتغال بکار در بخش پتروشیمی داشته است.

قطر با سهم 7 درصد بیش از 9 هزار و 600 نفر در نیرو را در صنایع پتروشیمی مشغول به کار نموده است. نکته قابل ذکر اینکه در سال 2008 تعداد کارگران شاغل در پتروشیمی این کشور وقتی دو برابر شد که نزدیک به 4400 نفر در این بخش بکار گمارده شدند .

عمان و کویت سهم برابری از اشتغال نیروی کار صنعت پتروشیمی در منطقه را دارا می باشند. با 6000 نفر نیروی کاری شاغل در این بخش در هر کشور، هر چند هر دو کشور طی سال های اخیر روند صعودی در استخدام نیروی کاری در پتروشیمی داشته اند، لیکن عمان بین سال های 2008 تا 2012 با 15,7 درصد رشد روند سریع تری را داشته، در حالی که میزان رشد کشور کویت در مدت مشابه 5,7 درصد بوده است. بحرین با سهمی اندک تنها 1% از بازار پتروشیمی این منطقه، رشد 2,6 درصد سالانه در اشتغال نیروی کار در بخش پتروشیمی را از آن خود کرده است.

لازم به ذکر است پتروشیمی نه تنها به طور مستقیم در این صنعت ایجاد شغل می کند، بلکه به طور غیر مستقیم نیز در مواردی مانند پردازش محصولات و مواد شیمیایی، تعمیر و نگهداری تجهیزات. ابزار آلات و سایر خدمات به این امر کمک می کند. به طور کلی ایجاد اشتغال صنایع شیمیایی و پتروشیمیایی در صنایع تکمیلی و پائین دست واحدهای صنعتی بیش از خود این واحدها می باشد. بنابراین به طور کلی با در نظر گرفتن اینکه در

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نزدیک به 138,7 هزار نفر (حدود یکصد و سی و هشت هزار و هفتصد نفر) به طور مستقیم در بخش پتروشیمی و شیمیایی مشغول به کار هستند، کل افرادی که به طور مستقیم و غیر مستقیم در این بخش اشتغال دارند را می توان حدود 555 هزار نفر (پانصد و پنجاه و پنج هزار نفر) دانست. مجموع فعالیت هایی که در این صنعت انجام می گیرد علاوه بر تولیدات مستقیم محصولات پتروشیمی، موجب افزایش جذب و استخدام نیروی کار در شغل های غیر تولیدی مرتبط با این بخش نیز می شود. مشاغلی که مشتمل بر فعالیت های خدماتی، R&D یا تحقیق و توسعه، حمایت از مشتری، بازاریابی، فروش و غیره می باشد چیزی حدود 36 درصد فعالیت شرکت های شیمیایی و پتروشیمیایی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس خدماتی بوده و 18% کل نیروی کار این صنعت در بخش هایی مانند فروش، بازاریابی و زنجیره ارزش حرفه ای مشغول فعالیت هستند.

شاید به تعبیری بتوان گفت خصوصی سازی به ویژه خصوصی سازی شرکت های پتروشیمیایی و شیمیایی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک الویت در سال های اخیر قلمداد شده و شرکتی مانند جیبک (پتروشیمی خلیج فارس GPIC) در چارچوب یک شرکت فراملیتی و با جذب سهام داران کشورهای عربی توانسته به عنوان یک الگوی موفق عمل نماید.

البته این کشورها به دلیل بافت نامتجانس نیروی کار که از نیروهای خارجی مهاجر و بومی تشکیل یافته توانسته اند با برخورداری از قوانین کار مدون در سال های اخیر رضایتمندی شغلی را در میان نیروی کاری خود فراگیر نمایند. ولی علیرغم اصلاحات انجام شده هنوز شیوه به کارگیری اسپانسری (کفاله) در این منطقه به عنوان یک عامل مهم نارضایتی شغلی در سطح منطقه و بین الملل قلمداد گردیده و طی سال های اخیر باعث تبعیض و اجحاف در حقوق کارگران مهاجر غیر بومی شده است. اقدامی که چند سال گذشته در کشورهای قطر و امارات اعتراض های سازمان های جهانی کار را نیز به همراه داشته است .

از سوی دیگر عدم وجود سندیکاهای کارگری و ممنوعیت هرگونه اقدام کارگری در اعتراض به تبعیض ها و محدودیت های شغلی کارگران مهاجر غیر بومی مخصوصاً در بخش های ساختمانی و تبدیل نیروی کار غیر بومی به بردگان کاری در قطر و امارات باعث شده، این کشورها نیز مانند بحرین قوانین سختگیرانه ای علیه قانون کفاله را به تدریج اجرا نمایند. همچنین در این کشورها اگرچه نیروی کار بر اساس قراردادهای دراز مدت و محدود یا کوتاه مدت انتخاب می شوند ولی اولویت ها و مزایایی که به نیروی کار بومی (به خصوص در بخش دولتی) تعلق می گیرد بیش از نیروی کار غیر بومی مهاجر است. هرچند نیروهای بومی محلی بیشتر تمایل به کار در بخش دولتی

دارند تا بخش خصوصی و این موضوع ناشی از امکانات و قانونمندی این بخش به ویژه در عربستان سعودی است. هر چند به دلیل افزایش نیروی جوان جویای کار و کاهش قیمت جهانی نفت در سال های اخیر، توجه به بخش خصوصی در این کشورها افزایش یافته و دولت های عربی منطقه ناگزیر به حمایت از این بخش بوده، علاوه بر آن با ارائه مشوق هایی سعی می کنند نیروهای بومی را به استخدام در این بخش ها ترغیب نمایند. لذا یکی از تخصص و مهارت هایی که قطر به دفعات اعلام نیاز نموده نیاز به مهندسین بخش پتروشیمی بوده که چندی پیش پتروشیمی قطر با راه اندازی سایتی نسبت به جذب نیروی متخصص به ویژه از کشورمان اقدام نمود.

در گذشته کشور قطر جهت کار در زمینه رستوران و هتل از ایران درخواست نیروی کار داشت که هیچگونه اطلاعاتی از تعداد و میزان اعزام این نیروها در دسترس نیست.

قانون جدید اقامت قطر:

قانون جدید اقامت و ورود و خروج اتباع خارجی به قطر در 27 اکتبر 2015 میلادی از سوی امیر قطر صادر شده است و از یک سال بعد قابلیت اجرایی یافت. بر اساس این قانون نظام کفالت موجود لغو گردیده و اقامت اتباع خارجی در قطر براساس این قانون بر مبنای قراردادهای کار و طبق مفاد این قانون خواهد بود.

برخورد غیر انسانی و شرایط ظالمانه کاری و تحقیر کننده، زندگی بسیار دشواری را برای نیروی کار خارجی در قطر به وجود آورده است.

وضعیت کارگران خارجی، معضلی برای دولت ثروتمند قطر:

با وجود سخت تر شدن وضعیت کارگران خارجی در قطر، دولت قطر ضمن اینکه پاسخگوی شرایط نامناسب کارگران خارجی مقیم این کشور نیست، از هر گونه اطلاع رسانه ای درباره شرایط این کارگران نیز جلوگیری می کند.

دولت قطر برای تحقق اهداف اقتصادی خود با مشکل مهم کمبود نیروی کار مواجه است. دولت قطر برای رفع این مشکل از نیروی کار خارجی استفاده می کند و شمار جمعیت خارجی مقیم قطر هفت برابر شهروندان این کشور است. با این حال، وضعیت کارگران خارجی در قطر به معضلی برای دولت این کشور تبدیل شده است.

کارگران خارجی بیش از همه در بخش های ساخت و ساز قطر مشغول به فعالیت هستند.

این کارگران با مشکلاتی نظیر تحمیل شرایط کاری سخت، پرداخت نشدن به موقع حقوق و تعویق چند ماهه آن و همچنین اجبار به کار زیر آفتاب مستقیم مواجه هستند. سازمان عفو بین الملل در چند نوبت با استناد به تحقیق میدانی وسیعی که انجام داد، اعلام کرد کارگران خارجی در کشور قطر در معرض مشکلاتی نظیر استثمار، کار اجباری، خشونت، ساعت کار طولانی، تبعیض های شدید اجتماعی و بی حرمتی قرار دارند.

مشکلات کارگران خارجی مقیم قطر به ویژه پس از کسب میزبانی مسابقات جام جهانی فوتبال 2022 توسط این کشور، افزایش یافته است زیرا دولت قطر برای آماده کردن ورزشگاه ها و هتل ها، شیفت کاری کارگران خارجی را نیز افزایش داده است.

شیفت های کاری کارگران خارجی در قطر به 16 ساعت افزایش یافته که خلاف مقررات بین المللی کار است. با این حال، دولت قطر مدارک هویتی کارگران خارجی از جمله گذرنامه آنها را توقیف کرده است و مانع خروج این کارگران از قطر می شود.

شبکه بین المللی حقوق و توسعه سال گذشته میلادی از شرایط سخت کارگران خارجی به ویژه کارگران نپالی در قطر به عنوان بردگی مدرن و روزنامه انگلیسی گاردین نیز اواخر سپتامبر 2013 شرایط تحمیلی سخت دولت قطر به کارگران خارجی را، زنجیره بهره کشی نامید.

دولت قطر بارها وعده داد شرایط کارگران خارجی در این کشور را بهبود بخشد اما نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه وضعیت وخیم تر نیز شد. افزایش انتقاد رسانه ها و سازمان های حقوق بشر از وضعیت کارگران خارجی در قطر سبب شد دولت دوحه، که اراده جدی برای بهبود شرایط این کارگران ندارد، برخورد سلیبی با رسانه ها و فعالان حقوق بشر را در پیش گیرد و از هرگونه خبر رسانی در این زمینه جلوگیری کند.

گروه های حقوق بشر درباره اوضاع ناگوار کارگران مهاجر که در ساخت استادیوم های فوتبال در این کشور کوچک حوزه خلیج فارس شرکت دارند، هشدار داده اند.

سازمان عفو بین الملل با انتشار گزارشی از شرایط کاری کارگران مهاجر در قطر، میزبان مسابقات جام جهانی فوتبال سال 2022، انتقاد کرد و افزود حکومت پادشاهی این کشور با کار اجباری و شرایط سخت معیشتی، کارگران مهاجر را در پروژه جام جهانی استثمار کرده است.

این گروه حقوق بشر همچنین در ماه می 2015 در گزارشی دیگر اعلام کرد قطر به وعده های خود برای اصلاحات ساختار کاری مرتبط با کارگران مهاجر عمل نکرده است .

در حال حاضر قطر حدود 5 هزار و 100 کارگر در مکان های برگزاری جام جهانی استخدام کرده است و گفته می شود این رقم تا سال 2018 به حدود 36 هزار نفر خواهد رسید.

کارگران مهاجر که بیشتر از کشورهای جنوب آسیا هستند، بیش از 90 درصد از نیروی کار را در قطر تشکیل می دهند. نیروی کار در قطر بالغ بر 1,7 میلیون نفر است.

پیشنهاداتی برای اعزام نیروی کار ایرانی به قطر:

علاوه بر اینکه دولت قطر محدودیت هایی را در مورد صدور روادید کار برای ایرانیان اعمال می نماید، رقابت در بازار کار این کشور نیز به گونه ای است که نیروهای کار ساده کشورهایمانند نپال، بنگلادش، هندوستان، پاکستان و... با حقوقی معادل حداقل حقوق نیروی کار ساده در ایران با تحمل هزینه سنگین زندگی و شرایط

سخت در این کشور کار می کنند، لذا با توجه به مذاکره مسئولین کشورمان در قطر با مقامات آن کشور در خصوص اجرای برخی پروژه های عمرانی و اجرایی مربوط به برگزاری مسابقات 2022، اعزام نیروی کار متخصص ایرانی می تواند در سیاست های اعزام نیروی کار به ویژه از طریق وابسته کار ایران در قطر به شکل زیر محوریت یابد:

- 1- شناسایی فرصت های شغلی مورد نیاز شرکت ها، موسسات و دوائر دولتی و خصوصی از طریق مکاتبه، مطالعه آگهی ها و ...
- 2- انعکاس به موقع اطلاعات و مشخصات نیروهای مورد نیاز آنان به این وزارتخانه.
- 3- ترغیب موسسات خصوصی و دولتی و صاحبان سرمایه اعم از ایرانی، قطری و یا ملیت های دیگر جهت به کارگیری نیروی کار متخصص ایرانی.
- 4- تلاش برای انعقاد قرارداد اعزام نیروی کار با شرکت ها و موسسات در صورت جلب موافقت مسئولین وزارت کار قطر.
- 5- ارائه پیشنهادهای تکمیلی در جهت بهینه سازی موافقت نامه های کار و کارگری موجود در صورت لزوم در راستای توسعه همکاری و جذب نیروی ایرانی.
- 6- معرفی نیروهای داوطلب ایرانی به متقاضیان نیروی کار.
- 7- معرفی کاربایی های بین المللی خصوصی ایران به بخش خصوصی قطر برای اعزام نیروی کار متخصص و نیمه متخصص ایرانی به آن کشور.¹

منابع :

1. گزارش آخرین وضعیت همکاری کارگری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت قطر، تهیه و تدوین: شعبان آزادی کناری، دفتر هدایت نیروی کار و کاربایی ها، 1392
2. سایت تجارت فردا <http://www.tejaratefarda.com>
3. سایت ویکی پدیا <https://fa.wikipedia.org/>
4. سایت سفارت جمهوری اسلامی ایران در دوحه قطر <http://doha.mfa.ir/>
5. وبلاگ آقای جلایر وابسته کار ایران در قطر <http://irankarqatar.persianblog.ir/>

¹ تهیه و تدوین: شعبان آزادی کناری کارشناس عالی مسئول نظارت بر کاربایی های خارجی، دفتر هدایت نیروی کار و کاربایی ها